



Critique of Islam Rahmani's idea as a challenge to civilized jurisprudence with emphasis on the views of Imam Khomeini and the Supreme Leader

ALI KARSHENAS*

HAMID NEGARESH**

MORTEZA SHIRODY***

Received on: 18/03/2022

Accepted on: 20/09/2022

Abstract

The history of Islam Rahmani's ideology goes back to the last two decades; The necessity of discussing this idea is that this idea offers a one-dimensional and selective view of Islam in such a way that it empties Islam of its original themes such as jihad, enjoining the good and forbidding the evil, and so on; On the other hand, civilized jurisprudence is a macro approach to all chapters of jurisprudence that includes a set of Islamic rules in the dimension of civilization; Civilized jurisprudence is not separate from governmental jurisprudence and system-building jurisprudence, but if another name can be chosen for government jurisprudence, it will definitely be civilized jurisprudence and system-building jurisprudence. The main question in this article is what is the critique of Islam Rahmani's idea as a challenge of civilized jurisprudence with emphasis on the views of Imam Khomeini and the Supreme Leader? This article uses a descriptive-analytical-reasoning method and using library resources to study and analyze the challenges of Islam Rahmani towards the jurisprudence of civilization; The finding of the article is that the only way to face the challenge of Islam Rahmani is to return to the original and true Islam based on civilized jurisprudence; Islam of unity is based on principles and ideals and Islam of freedom and insight in which the idea of compassionate Islam fades.

Keyword: Islam Rahmani, Jurisprudence, Civilization, Civilization Jurisprudence, Imam Khomeini Supreme Leader (as).

.....
* Assistant Professor of Imam Sadegh Research Institute (jurisprudence and principles)(Ph.D) (Qom Seminary (Qom. (Corresponding Author)

Ali karshenas@chmail.ir

0000-0002-6534-7262

** Associate Professor of Imam Sadegh (as) Research Institute (Islamic theology)(Ph.D).

hamid_negaresh@yahoo.com

0000-0003-3001-3198

*** Associate Professor of Imam Sadegh (as) Research Institute (political science)(Ph.D) (Allameh Tabatabaei University.

dshirody@yahoo.com

0000-0002-1611-6652



نقد انگاره اسلام رحمانی به مثابه‌ی چالش فقه تمدنی با تأکید بر آرای امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۹

علی کارشناس *

حمید نگارش **

مرتضی شیرودی ***

چکیده

پیشینه‌ی انگاره اسلام رحمانی به دو دهه‌ی گذشته بازمی‌گردد؛ ضرورت بحث از این انگاره از آن‌رو است که این انگاره نگرشی تک‌بعدی و گزینشی از اسلام ارائه می‌دهد به گونه‌ای که اسلام را از درون‌مایه‌های اصیل آن چون جهاد، امر به معروف و نهی از منکر و... تهی می‌سازد؛ از سوی دیگر، فقه تمدنی، رویکردی کلان به همه‌ی ابواب فقه است که مجموعه‌ی احکام اسلامی را در بُعد تمدنی در برمی‌گیرد؛ فقه تمدنی، از فقه حکومتی و فقه نظام سازی جدا نیست بلکه اگر بتوان برای فقه حکومتی نامی دیگر برگزید، قطعاً فقه تمدنی و فقه نظام سازی خواهد بود. پرسش اصلی در این مقاله آن است که نقد انگاره اسلام رحمانی به مثابه‌ی چالش فقه تمدنی با تأکید بر آرای امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) چیست؟ این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی-استدلالی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای به بررسی و واکاوی چالش‌های اسلام رحمانی نسبت به فقه تمدنی می‌پردازد. یافته‌ی مقاله آن است که فقه تمدنی، فقهی جامع و کلان نگر است و هنگام صدور قانون و احکام شرعی، ابعاد کلان اجتماعی، فرهنگی، سیاسی را ملاک نظر قرار می‌دهد. همچنین ولایت رکن فقه تمدنی اسلام است و وحدت، راهکار مقابله با اسلام آمریکایی و یا به تعبیر امروزی اسلام رحمانی است که برای حفظ کیان اسلام، امری اساسی است.

کلمات کلیدی: اسلام رحمانی، فقه، تمدن، فقه تمدنی، امام خمینی (ره)، مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی).

* استادیار پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)، سطح چهار فقه و اصول، پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (علیه

السلام)، قم، جمهوری اسلامی ایران. (نویسنده مسئول)

0000-0002-6534-7262

Ali karshenas@chmail.ir

** دانشیار پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)، سطح چهار کلام اسلامی، پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (علیه

السلام)، قم، جمهوری اسلامی ایران.

0000-0003-3001-3198

hamid_negareh@yahoo.com

*** دانشیار پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)، دکتری علوم سیاسی، پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (علیه

السلام)، قم، جمهوری اسلامی ایران.

0000-0002-1611-6652

dshirody@yahoo.com

بیان مسئله

استیلاجویی و سیطره نظامی غرب بر سایر جوامع، موجب شد هنجارهای غربی که سکولاریسم از مهم‌ترین مؤلفه‌های آن به شمار می‌رفت بر دیگر کشورها نیز تحمیل شود. وقوع انقلاب اسلامی در ایران و شکل‌گیری نظام ارزشی جمهوری اسلامی، سبب سست شدن مبانی لیبرال دموکراسی غربی گشت. اینک پس از گذشت بیش از چهار دهه از انقلاب، حرکت به‌سوی تمدن نوین اسلامی مبتنی بر فقه تمدنی و مقابله با اسلام رحمانی که مبتنی بر آثار سوء رهیافت سکولاریستی و سطحی‌نگر نسبت به دین است، امری ضروری است. چالش اسلام رحمانی مبتنی بر نگاه یک‌سویه به آموزه‌های شریعت و فقدان جامع‌نگری است. این در حالی است که فقه نظام تمدنی اسلام، مانند دانه‌های نخ تسبیح در یک منظومه‌ی فقهی دقیق قرار دارد. چند سالی است که در میان روشنفکران غربگرا عنوان و اصطلاحی جدید به نام اسلام رحمانی بر سر زبان‌ها افتاده است. قرائتی جدید از اسلام که مدعی است در برابر نگاه متحجرانه، مستبدانه و قشری قد علم کرده است و جنگ و خشونت و مانند آن را بر نمی‌تابد. ضرورت بحث از این انگاره از آن‌رو است که این انگاره نگرشی تک‌بعدی و گزینشی از اسلام ارائه می‌دهد، به‌گونه‌ای که اسلام را از درون مایه‌های اصیل آن چون جهاد، امر به معروف و نهی از منکر و... تهی می‌سازد. از پایه‌گذاران این نوع قرائت کسانی هستند که اکنون در خارج از کشور با معارضان نظام اسلامی همکاری می‌کند، حامیان این دیدگاه معتقدند که تنها یک کدخدا وجود دارد که همه باید از آن تبعیت کنند، کدخدایی که به دنبال سیطره و استعمار بر همه‌ی کشورهاست، باید با این کدخدا مماشات کرد و خلاف جهت او حرکت نکرد، و بر اساس آن، اسلام و شعائر اسلامی باید منحصر در ساحت فردی شخص باشد، به‌گونه‌ای که آموزه‌های مقدّسی چون جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، برپایی حکومت اسلامی و غیره در این انگاره رنگ می‌بازد. آیا این قرائت، متناسب با آموزه‌های ناب اسلامی است؟ برای پاسخ به این سؤال ضمن بررسی مبانی این انگاره به نقد آن می‌پردازیم. پای‌بست این نوع قرائت از دین، برگرفته از تفکرات سکولاریستی، اومانیستی و لیبرالیستی است (ر. ک. حسن علی‌پور وحید، ۱۳۹۴، ص ۵) اسلام رحمانی، یک ابداع روشنفکری غربی است، بنابراین اسلام رحمانی، مولود گرته برداری از روشن‌فکری غرب و مسیحیت است و ریشه در پروتستانیسیم مسیحی دارد. در حقیقت اسلام رحمانی در پی اجرای اسلام فاقد عناصری چون جهاد و شهادت و در یک‌کلام، عرضه‌ی مدلی خنثی از اسلام به ایران و جهان اسلام است. اسلام

رحمانی را نمی‌توان محدود به ایران دانست، این جریان، فراگیر و فرا اسلامی است که می‌کوشد فرآیند اصلاح دینی را در همه‌ی ادیان مدیریت کند. نصر حامد ابوزید مصری، حسن حنفی مصری، عبدالکریم سروش، فتح‌الله گولن در ترکیه و عطاس در مالزی از چهره‌های شاخص اسلام رحمانی هستند؛ اما غرب به دلیل اهمیت تشیع، اندیشه‌ی انقلاب اسلامی و اسلام سیاسی و حاکمیت ولایت فقیه در صدد است که ایران را گرانیگاه اسلام رحمانی قرار دهد. مهدی بازرگان در دهه‌ی ۴۰ تا ۵۰، علی گلزاده غفوری در دهه‌ی ۶۰، سید حسین نصر در دهه‌ی ۶۰، عبدالکریم سروش در دهه‌ی ۸۰، مصطفی ملکیان در دهه‌ی ۸۰ و ۹۰، محسن کدیور در دهه‌ی ۹۰، سید محمد خاتمی در دهه‌ی ۸۰ و... از مشاهیر اسلام رحمانی در ایران هستند. از سوی دیگر ضرورت توجه به مبانی فقه تمدنی، مورد توجه هر مسلمان متعهدی است؛ فقه نظام سیاسی شیعه با تحقق انقلاب اسلامی، توان خود را جهت مدیریت این جریان به صحنه آورده است تا دیگر شاهد گسستگی در میان مسلمانان روبه‌رو نباشیم. در فضایی که سایه‌ی فرهنگ مدرنیته همه‌ی ذهن‌ها را فراگرفته است؛ شناخت و تبیین چیستی مبانی فقه تمدنی و نقش آن در وحدت امت اسلامی از جایگاه به سزایی برخوردار است. با توجه به پیشرفت روزافزون جامعه‌ی اسلامی، دشمنان با ایجاد تفرقه و از بین بردن وحدت در میان مسلمانان، سعی در خدشه‌دار شدن مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی دارند. از این رو، تبیین ارکان فقه تمدنی برای مقابله با چالش انگاره اسلام رحمانی ضروری می‌نماید، چراکه علاوه بر تأمین نیاز علمی در این زمینه، دارای فواید عملی و آرمانی است.

۱. پیشینه‌ی پژوهش

با توجه به انگار، جهانی‌سازی غرب و تلاش آن برای سیطره‌ی فرهنگی بر جوامع اسلامی، تنها راهکار و راهبرد نظری ما در برابر استیلای تمدن غرب، شناخت و آگاهی از تمدن نوین اسلامی است که نقشی مهم و اساسی در تحقق وحدت امت اسلامی ایفا می‌کند. جان احمدی در کتاب «تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی» با رویکردی تاریخی به بحث تمدن اسلامی نگریده است، علی‌اکبر ولایتی نیز دستاوردهای تمدن اسلامی را در کتاب «فرهنگ و تمدن اسلامی» بحث کرده است؛ از سوی دیگر، منابع موجود در زمینه‌ی انگاره اسلام رحمانی، چند سخنرانی یا مصاحبه در فضای مجازی به ضمیمه چند یادداشت و مصاحبه‌ی مطبوعاتی است؛ این آثار عبارت‌اند از:

مقاله‌ی «قرائت رحمانی یا دین جهانی؟» به قلم مصطفی واعظی که وی در این مقاله اسلام رحمانی را منطبق با اسلام آمریکایی دانسته است. مقاله‌ی «نبرد قرائتها در دین‌شناسی»، نوشته‌ی محمدرضا باقرزاده که وی اسلام رحمانی را تلاشی برای استنباط سکولاریسم از سنت می‌داند؛ گفتگوی خردنامه همشهری با فواد ایزدی که وی اسلام رحمانی را کاتالیزور سکولاریزاسیون دین و جامعه می‌داند. گفتگوی خردنامه همشهری با ابراهیم فیاض که وی یکی از اهداف اسلام رحمانی را سازش با غرب و هضم در فرآیند جهانی‌سازی برمی‌شمارد. مهم‌ترین نقطه‌ی قوت آثار یادشده، سبقت زمانی و تشخیص بهنگام جریان‌های تأثیرگذار در جامعه و آسیب‌شناسی و نقد و تحلیل محققانه‌ی آن است. بر اساس مقاله‌ی «کارآمدسازی دولت جمهوری اسلامی و پرسش‌های پیش رو در رویکرد تمدن ساز فلسفه‌ی سیاسی اسلامی»، نوشته‌ی مهدی یوسفی راد، دو بُعد اسلامیت و ایرانیت، الگوی فقه تمدن سازی است (یوسفی راد، ۱۴۰۰، ص ۵۷) از سوی دیگر بر اساس مقاله‌ی «کمال مردم‌سالاری دینی» در اندیشه‌ی رهبران انقلاب اسلامی؛ رویکرد تمدنی» نوشته‌ی سید ابراهیم سرپرست سادات، حاکمیت در اندیشه‌ی رهبر معظم انقلاب اسلامی، موضوعیت خود را از بستر تحقق بخشیدن به آرمان‌ها دریافت می‌دارد و تحقق این آرمان‌ها، نسخه‌ی کمال «مردم‌سالاری دینی» و تداوم آن است (سرپرست سادات، ۱۴۰۰، ص ۱۴۵-۱۷۰)

اما هیچ‌یک به مؤلفه‌ها و مبانی اسلام رحمانی و تقابل آن با تمدن نوین اسلامی و فقه تمدنی نپرداخته‌اند، همچنین هیچ‌یک از منابع مذکور مسئله‌ی چالش‌انگاره اسلام رحمانی در برابر فقه تمدنی را مورد کنکاش و بررسی قرار نداده‌اند. از این‌رو، پژوهش حاضر کم‌نظیر است. روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی مبتنی بر روش استقراء و بر اساس منابع کتابخانه‌ای است.

۲. چهارچوب نظری پژوهش: نظریه‌ی فقه نظام

چارچوب پژوهش حاضر مبتنی بر نظریه‌ی فقه نظام، یا همان نظریه‌ی فقه کلان است، چراکه تا نظام و حاکمیتی نباشد، بحثی از اسلام رحمانی و فقه تمدنی به میان نخواهد آمد. فقه نظام، فقه بررسی نظامات دینی است، زیرا فقه به دو بخش یعنی فقه خرد یا فقه فردی و فقه مسائل کلان (فقه نظام) تقسیم می‌شود. فقه نظام، فقهی است که در زمینه‌ی ساحت‌های کلان به فقاقت می‌پردازد. در حقیقت، فقه نظام، فقه نظام‌ساز است که متکفل رفع نیازهای فقهی نظام اسلامی در

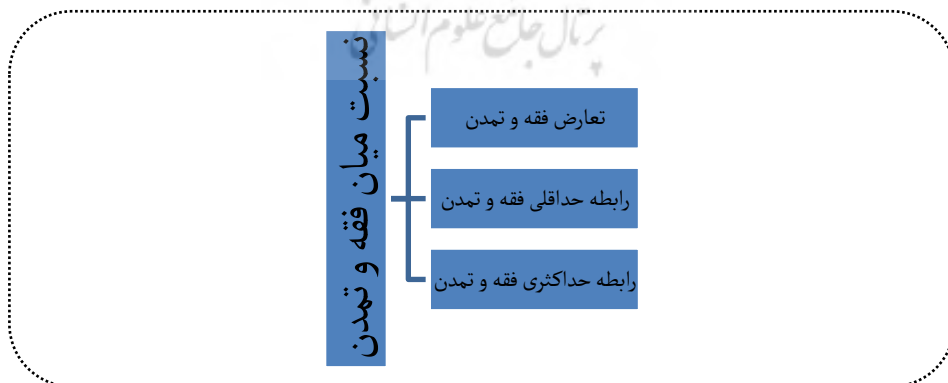
بعد کلان است. بر اساس نظریه‌ی فقه نظام، این فقه متکفل استنباط نظامات اجتماعی است. فقه نظام یعنی فقهی که متکفل کشف نظامات شرعی است. در حقیقت فقه نظام، احکام مکلف کلان را تعیین می‌کند. حکومت یعنی مجموعه‌ی حاکم و کسانی که به امر آن حاکم زندگی خود را نظم می‌دهند و نظم زندگی آن‌ها به وسیله‌ی آن حاکم انجام می‌گیرد.

پیرامون تمدن و نسبت فقه با آن، گستره‌ای از نظریات متصور است که در این میان سه نظریه بیشتر در عصر حاضر جلوه می‌کند:

۱-۲. فقدان رابطه میان فقه و تمدن: عبدالکریم سروش ارتباط فقه و تمدن را منتفی دانسته است، وی تمدن را تأمین‌کننده‌ی زندگی مادی و فقه را تأمین‌کننده‌ی امور اخروی انسان می‌داند (سروش، ۱۳۷۸، ص ۱۳۷).

۲-۲. رابطه‌ی حداقلی فقه و تمدن: محمد مجتهد شبستری نقش فقه را، صرفاً نظارت بر چگونگی زندگی اجتماعی انسان می‌داند و حاکمیت و ولایت فقیه را مردود می‌شمارد (مجتهد شبستری، ۱۳۷۶، ص ۸۸)

۳-۲. رابطه‌ی حداکثری فقه و تمدن: نظر دیگر که مقبول امام خمینی (ره) ([امام] موسوی خمینی (ره)، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۳۸۲)، مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) (حسینی خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۵/۳/۲۲) است، بر این باور است که نقش فقه در تمدن سازی، نقشی فراگیر و همه‌جانبه است و فقه، اساس و شالوده‌ی اصلی تمدن سازی است.



شکل ۱: نسبت میان فقه و تمدن

این پژوهش، مبتنی بر نظریه‌ی رابطه‌ی حداکثری فقه و تمدن است و دو نظریه‌ی دیگر- که با انگاره‌ی اسلام رحمانی قرابت دارند- را مورد نقد قرار داده است.

۳. روش پژوهش

روش تحقیق مبتنی بر استقرای تام است. روش استقراء یکی از روش‌های استدلال است که حرکت ذهن در آن صعودی است یعنی از خاص به عام یا از جزئی به کلی حرکت می‌کند. در استدلال استقرائی، محقق برای دستیابی به حکم کلی، به پژوهش و تحقیق در جزئیات می‌پردازد. گاهی این پژوهش تام و کامل است، یعنی همه‌ی جزئیات موردبررسی قرار می‌گیرد و آنگاه نتیجه‌ای کلی به دست می‌آید، چنین استقرائی، استقراء تام نام دارد. پژوهش حاضر از ترکیب قیاس منطقی و روش استقراء بهره می‌برد. در این پژوهش برای به دست آوردن مبانی اسلام رحمانی، از روش استقرای تام در آثار مدعیان اسلام رحمانی بهره برده شده و سپس با بهره‌گیری از روش استدلال و قیاس منطقی به نقد این مبانی و بررسی چالش آن‌ها برای فقه تمدنی و ایجاد تمدن نوین اسلامی پرداخته شده است.

جدول ۱: مؤلفه‌ها و مبانی اسلام رحمانی

مبانی اسلام رحمانی	مؤلفه‌های اسلام رحمانی	۱
۱. تقلیل‌گرایی ساحت دین (قرآن کریم محدود به توصیف جهان‌بینی و عقاید و بیان ارزش‌ها است و طرح مسائل علمی در قرآن کریم با قدسی بودن دین سازگار نیست)	۱. خشونت‌زدایی از اسلام (خشن نامیدن شریعت و ارائه‌ی تئوری نفی خشونت)	۲
۲. پلورالیسم معرفتی (به رسمیت شناختن ادیان گوناگون و حق دانستن همه‌ی آن‌ها)	۲. معارضه با احکام اجتماعی اسلام (از جمله جهاد، قصاص و...)	۳

۴. مفاهیم پژوهشی

۴-۱. اسلام رحمانی

اسلام رحمانی، قرائتی تازه از اسلام است که در ادبیات برخی شخصیت‌های سیاسی- فرهنگی

به‌کاررفته است. موافقان بر آنند که مقصود از اسلام رحمانی، ارائه‌ی چهره‌ای رحمانی از اسلام و تعدیل قرائت‌های خشن اسلامی است. مخالفان بر آنند که مقصود از اسلام رحمانی، قرائت لیبرال از اسلام، نفی فقه تمدنی، انزوای شریعت از طریق معنویت‌های نوظهور و جایگزینی اخلاق مدرن است. بنابراین اسلام رحمانی، قرائتی روشنفکرانه از اسلام با تکیه بر سکولاریسم، لیبرالیستی و پلورالیسم و در تقابل با فقه تمدنی است که اسلام رسمی را خشن، مستبد و متحجر می‌داند و در تعامل با دین، رویکردی خشونت زدا، شریعت‌گریز، تقلیل‌گرا و تساهل‌مدار را برمی‌گزیند (ر.ک. حسن علی‌پور وحید، ۱۳۹۴، صص ۱۲-۱۸)

تعریف مختار از اسلام رحمانی عبارت است از اسلام فاقد درون‌مایه‌های اصلی و عناصر حقیقی آن‌که مطلوب رژیم‌های مستکبر و استعمارگران است.

۲-۴. فقه

واژه‌ی «فقه» در لغت به معنای فهم عمیق (فیروزآبادی، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۱۹۷) و تحصیل مسائل مجهول با بهره‌گیری از مسائل معلوم (ر.ک. راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۶۴۲) است و در اصطلاح، علم به احکام فرعی شرعی از روی منابع و ادله تفصیلی آن است (ر.ک: عاملی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۹۰؛ مطهری، ۱۳۸۵، ج ۲۰، ص ۲۶) تعریف مختار از فقه در این مقاله عبارت است از: فهم ژرف از منابع احکام شریعت با بهره‌گیری از مستندات متقن دینی برای استخراج فقه تمدنی.

۳-۴. تمدن

واژه تمدن^۱ بر وزن تفعل از ماده «مدن» به معنای اسکان در مکان خاص و شهرنشینی است (ر.ک. جوهری، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۲۲۰۱) و در اصطلاح، ایجاد نظامات اجتماعی و گسترده‌ترین گروه‌بندی فرهنگی مبتنی بر عناصر عینی مشترک؛ یعنی تاریخ، زبان، سنت‌ها و نهادها است (ر.ک. آشوری، ۱۳۸۱، ص ۱۲۸). در این مقاله مقصود از تمدن، انتظام روابط انسان‌ها بر اساس هویت و اصول فرهنگی و اعتقادی مشترک است به‌گونه‌ای که سبب بروز اجتماعی استعدادها و کمالات درونی آنان گردد.

۴-۴. فقه تمدنی

فقه تمدنی رویکردی کلان نسبت به فقه است که ساخت نظام توحیدی فراگیر مبتنی بر معارف دینی و شریعت الهی را هدف‌گیری کرده است. تمدن نوین اسلامی، عصر ظهور و بروز اسلام در قامت تمدنی است که واپسین مرحله‌ی دولت‌سازی است. انگارهٔ اسلام رحمانی در تقابل مستقیم با نظریه‌ی تمدن نوین اسلامی و فقه تمدنی است؛ زیرا انگارهٔ اسلام رحمانی بر مهار فقه تمدنی و انقلابی و فراگیری آموزه‌های وحیانی اسلام تأکید دارد، از این رو، به‌مثابه‌ی یکی از چالش‌های فقه تمدنی و تمدن نوین اسلامی در عصر حاضر به شمار می‌آید.

۴-۵. تمدن اسلامی

تمدن اسلامی، برپایی تمدن آرمانی بر پایه‌ی دین اسلام است که مبانی، اصول و شاخص‌های آن بر محور دین اسلام است [امام] موسوی خمینی (ره)، (۱۳۸۹، ج ۱، ص ۳۸۲)

۴-۶. تمدن نوین اسلامی

تمدن نوین اسلامی به معنای پیشرفت همه‌جانبه‌ی ظاهری و باطنی مسلمانان در دو بخش سخت‌افزاری و نرم‌افزاری است و در پی ایجاد آرامش روانی در مسلمانان همراه با پیشرفت مظاهر مادی و علمی و تمدنی است. که این تمدن به‌طور کامل در عصر ظهور حضرت امام عصر (عج) به وجود خواهد آمد (حسینی خامنه‌ای، بیانات، ۱۴/۱۳۷۹/۷)

۵. مؤلفه‌ها و مبانی اسلام رحمانی

۱-۵. مؤلفه‌ها

مهم‌ترین مؤلفه‌های اسلام رحمانی عبارت است از: خشونت‌زدایی از اسلام و معارضه با احکام اجتماعی اسلام است که توضیح هر یک به شرح زیر است:

۱-۱-۵. خشونت‌زدایی از اسلام

خشن‌نامیدن شریعت و تئوری نفی خشونت از دین از مؤلفه‌های اسلام رحمانی است. محسن

کدیور در این باره معتقد است: «اسلام در بدو نزول جز همین اسلام رحمانی نبود... اما با دور شدن از عصر نزول و رسوب عادات و سنن جاهلی... از ابعاد اسلام رحمانی دور شدیم.» (کدیور، سخنرانی در مرکز فرهنگی اسلامی ایرانیان اوکلند، شمال کالیفرنیا، دسترسی در: www.12kadivar.com/p=۲مرداد۱۳۸۹)

اما انتساب خشونت به اسلام، ریشه در گفتار و نوشتار مستشرقین و متصدیان کلیسا دارد، آن‌ها می‌گویند: چرا پیامبر اسلام جنگ کرد و عیسی جنگ نکرد؟ ویل دورانت در اثر معروفش «تاریخ تمدن» حوادث اسلام از سال ۱۱ هجری به بعد را «شمشیر اسلام» نامیده است (دورانت، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۲۴۱) منتسکیو معتقد است که دین اسلام به‌زور شمشیر بر مردم تحمیل شده است (منتسکیو، ۱۳۶۲، صص ۶۷۰-۶۷۱) آبراهام جکسون بر این باور است که اسلام به‌زور شمشیر بر ایرانیان تحمیل شد (جکسون، ۱۳۶۹، ص ۴۰۶)

اسلام رحمانی رسالت خود را خشونت‌زدایی از دین می‌داند، در همین راستا کدیور معتقد است که جهاد، شهادت، مقاومت، قصاص، حدود و تعزیرات و هر آنچه سبب تقویت این امور شود، محکوم به خشونت و حذف شدن است (ر.ک. کدیور، سخنرانی در مرکز فرهنگی اسلامی ایرانیان اوکلند، شمال کالیفرنیا، دسترسی در: www.12kadivar.com/p=۲مرداد۱۳۸۹)

در حقیقت انگاره اسلام رحمانی با خشن جلوه دادن احکام اسلام به‌ویژه جهاد، قصاص و مانند آن در پی آن است که از تشکیل تمدن نوین اسلامی بر پایه‌ی فقه تمدنی جلوگیری نماید. تأثیرگذاری بر جنبش‌های اسلامی معاصر، تقابل با انقلاب اسلامی و مهار فقه تمدنی و اسلام سیاسی انقلابی، مهم‌ترین انگیزه‌گفتمان اسلام رحمانی است. کدیور با این ادعا که اسلام سیاسی انقلابی، با خشونت و قساوت، مؤلفه‌ی رحمت را زیر پا نهاده می‌گوید: «اسلام رحمانی مرزبندی مشخص با قرائت رسمی اسلام در ایران است.» (همان) وی معتقد است: «برپایی بساط استبداد و فاشیسم به نام اسلام، مردم را با زنجیر به بهشت بردن و محدود کردن آزادی مردم با وضع قوانین به‌ظاهر شرعی، جفا به آیین آزادی قرآنی است.» (همان)

۵-۱-۲. معارضه با احکام اجتماعی اسلام

داعیه‌داران اسلام رحمانی با منطقی نفی خشونت به معارضه با احکام اجتماعی اسلام می‌پردازند،

برای نمونه محسن کدیور در مقاله‌ای تحت عنوان «اسلام رحمانی و دشمنانش» معتقد است اسلام سیاه قساوت و خشونت و بی‌رحمی باید اصلاح شود. مقصود وی از این اسلام، اسلام مبتنی بر احکامی چون جهاد، قصاص و... است (کدیور، «اسلام رحمانی و دشمنانش»، دسترسی در: www.12kadivar.com/p= ۴ مرداد ۱۴۰۱) این در حالی است که برخی احکام اسلامی، همچون جهاد، قصاص و مانند آن مبتنی بر تشکیل حکومت است. قرآن کریم درباره جهاد با کفار می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَاوَاهُمُ جَهَنَّمَ وَاَبْسُ الْمَصِيرُ (توبه: ۷۳)؛ ای پیامبر! با کافران و منافقان کارزار کن و بر آنان سخت بگیر و جای ایشان (در آخرت) جهنم است که سرانجامی بد است.» و نیز می‌فرماید: «فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُكَلَّفُ إِلَّا نَفْسَكَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ»؛ در راه خدا کارزار کن که جز به تکلیف خودت مکلف نیستی و مؤمنین را بر قتال با کفار تشویق کن.» بر اساس این آیات، از آنجا که شرک و کفر، ظلم عظیم است، جهاد با کفر و نفاق و شرک و مظاهر آن وجوب پیدا می‌کند و تشکیل تمدن نوین اسلامی مبتنی بر فقه تمدنی بدون این جهاد دائمی هرگز میسر نیست.

به باور مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) اسلام استفاده از خشونت را اصل قرار نداده، اما در مواردی که خشونت قانونی باشد، آن را نفی هم نکرده است. برای نمونه وقتی حکومت اسلام در برابر زور، تجاوز و اغتشاش و تعدی از قانون قرار بگیرد، باید با قدرت، قاطعیت و خشونت رفتار کند، اما رفتار عمومی حکومت اسلامی با مردم خود، با رفق و مداراست (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۱/۲۶).

همچنین داعیه‌داران اسلام رحمانی، برخلاف آیات قرآن کریم نسبت به مؤمنان خشن، تندخو و به دیده تحقیر نگریده و نسبت به کفار و مشرکین به دیده تعظیم می‌نگرند (کدیور، دسترسی در: www.12kadivar.com/p= ۴ مرداد ۱۴۰۱) در حالی که اسلام راستین مبتنی بر شدت عمل در برابر کافران و رحمت نسبت به مؤمنان است، چنان‌که خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَاَلَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح/ ۲۹)؛ محمد (صلی‌الله‌علیه‌و آله) رسول خدا است و کسانی که با او هستند علیه کفار شدید و بی‌رحمند و در بین خود رحیم و دلسوزند.» در نظام تمدن نوین اسلامی، مهرورزی جامع میان مؤمنان و شدت و سخت‌گیری نسبت به مظاهر ظلم و ستم یعنی کافران از ارکان اصلی است که مبتنی بر نظام فقه تمدنی است.

از سوی دیگر، داعیه‌داران اسلام رحمانی، احکام قطعی دین همچون قصاص را خشونت دانسته و نفی می‌کنند (رادیو زمانه، «آیا اسلام اصلاح‌پذیر است؟»، دسترسی در: <https://www.radiozamaneh.com>, ۱۴۰۱/۵/۴) درحالی‌که خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَ لَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (بقره / ۱۷۹) و شما را در قصاص حیاتی است ای خردمندان اگر بخواهید تقوی داشته باشید».

در این آیه خداوند متعال، قصاص را عین حیات توصیف می‌کند؛ یعنی مهر و قهر درهم آمیخته و تفکیک‌ناپذیرند و عقاب و بلا، اقتضای خود رحمت و برخاسته از رحمت عام الهی است، زیرا رهاورد تربیتی و هدایتی داشته و سبب پیشگیری از وقوع جرم یا گسترش آن است.

۶. مبانی نظری پژوهش

دو مبنای اساسی انگاره اسلام رحمانی عبارت است از تقلیل‌گرایی ساحت دین و پلورالیسم معرفتی که توضیح هر یک به شرح زیر است:

۶-۱. تقلیل‌گرایی ساحت دین

طرفداران نظریه‌ی اسلام رحمانی، قرآن کریم را در محدوده‌ی توصیف جهان‌بینی و عقاید و بیان ارزش‌های جامع می‌دانند و معتقدند طرح مسائل علمی در قرآن کریم با قدسی بودن دین سازگار نیست. محمد عزه دروزه (عزه دروزه، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۹۱) و دکتر سروش (سروش، ۱۳۷۲، صص ۴۸، ۵۸ و ۱۲۲) در شمار این گروه جای دارند.

در نظر این گروه، تبیین امور معنوی و آخرتی بر عهده قرآن و دین است و تبیین علوم انسانی و تجربی، از جمله شیوه حکومت بر عهده مردم است. برخی در تأیید نظریه‌ی حداقلی دین و قرآن گفته‌اند: (پیمان، مجله‌ی کیان، شماره ۵، صص ۲۷ و ۲۸) افزودن سنت رسول خدا (صلی‌الله علیه و آله)، توجه به سیره امامان علیهم‌السلام و توسل به اجتهاد در کنار قرآن، دلیل واضحی بر کامل نبودن قرآن به شمار می‌آید. این دیدگاه نمی‌تواند درست باشد، زیرا طرح مسائل علمی در راستای هدایت، تربیت و رفاه مردمان، ضرورت دارد و به قدسی بودن قرآن، زبان نمی‌رساند. افزون بر این، مسائلی چون سنت رسول خدا (صلی‌الله علیه و آله) و سیره ائمه (علیهم‌السلام) و اجتهاد از

پایه‌های جامعیت قرآن به شمار می‌آیند. به عبارت دیگر، همه‌ی این امور از متن قرآن کریم الهام گرفته‌اند، مانند آیه‌ی هفتم سوره حشر: «وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا (حشر: ۷)؛ «و آن چه را فرستاده او به شما داد، آن را بپذیرید و از آن چه شما را باز داشت، بازایستید».

اسلام در انگاره‌ی اسلام رحمانی، یک دین حداقلی است. به این معنی که احکام و معارف آن تنها و یا بیشتر مربوط به رابطه‌ی معنوی و عبادی انسان با خداوند است و سایر ساحات و عرصه‌های زندگی انسان را به خود او واگذار کرده است. اگر هم اسلام درباره‌ی حوزه‌های فراتر از رابطه‌ی انسان با خداوند، معارف و آموزه‌هایی دربردارد، این معارف و آموزه‌ها یا بسیار اندک و ناچیز است و هرگز امکان «نظریه‌پردازی» و «نظام‌سازی اجتماعی» را ندارند و یا اموری عرضی و بیرون از ذات و جوهر اسلام است که در اثر رویدادها و تحولات تاریخی به آن اضافه و ضمیمه شده است. بر این اساس تصور جامعیت اسلام به گونه‌ای که همه‌ی لایه‌ها و سطوح زندگی انسان را دربرگیرد، تصویری باطل است و اسلام تنها تدبیر پاره‌های کوچکی از زندگی انسان را برعهده گرفته و باقی را بر عهده‌ی یافته‌های تجربی و عقلی نهاده است. این خود انسان است که باید با تکیه بر دستاوردهای تجربه و عقل، به زندگی خود سامان بخشد و به واسطه‌ی آزمون و خطا، راه‌ها و روش‌های بهتر را بشناسد. از این رو، اسلام نمی‌تواند خلأ علوم انسانی را پر کند و جایگزین آن شود. این دیدگاه بر آن است که اسلام در یک ظرف زمانی و مکانی تحقق یافته با مقتضیات آن تناسب داشته و از آن اثر پذیرفته است. جامعه‌ی قبیله‌ای هرگز با جامعه‌ی پیچیده‌ی معاصر قابل مقایسه نیست و نمی‌توان با همان الگوی نظری و عملی به تدبیر و تنظیم امور اجتماعی پرداخت. بنابراین خواه‌ناخواه بخش‌هایی از آموزه‌ها و معارف اسلام رنگ تاریخی دارد و نباید آن‌ها را ابدی و فراتاریخی فرض کرد. در جامعه‌ی قبیله‌ای، درک و فهم انسان بسیار محدود و کم‌مایه بود و اسلام نیز باید با همین سطح معرفتی، همخوان می‌بود، اما انسان معاصر، تحولات بزرگ و چشمگیری را از سر گذرانده و یافته‌های تجربی و عقلی وی نشان می‌دهد که طرق کارآمدتر و موجه‌تری نیز برای تدبیر راهبردی جامعه‌ی انسانی وجود ندارد. این‌گونه استدلال‌ها در کنار تفاوت‌هایی که با یکدیگر دارند، در این نتیجه، مشترک و مشابه‌اند که همگی به اسلام حداقلی و سکولاریسم می‌انجامد و صفت «جامعیت» اسلام را زایل می‌سازند. اسلام حداقلی، اسلام را به

یک دین فردی محض تبدیل می‌کند که فاقد جایگاه در عرصه‌ی اجتماع و سیاست است و عرصه‌ی جامعه را جولانگاه تجربه و عقلانیت عرفی آدمی است، نه وحی الهی.

به باور مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) اسلام رحمانی کلیدواژه‌ای برای معارف نشئت‌گرفته از لیبرالیسم است، یعنی آن چیزی که در غرب به آن لیبرالیسم گفته می‌شود که در حقیقت نه اسلام است، نه رحمانی است مطلقاً (حسینی خامنه‌ای، ۲۰/۴/۱۳۹۴).

همچنین ایشان معتقد است که مطالبه‌ی اسلام، تحقق کامل دین اسلام است و دین حداقلی و اکتفا به حداقل‌ها از نظر اسلام قابل قبول نیست و در معارف اسلامی دین حداقلی وجود ندارد، بلکه در قرآن کریم، اکتفا به بعضی از تعالیم دینی، مذمت شده است^۱ (حسینی خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۳/۱۲/۲۱).

۶-۲. پلورالیسم معرفتی

کثرت‌گرایی یا پلورالیسم معرفتی، دیدگاهی است که ادیان گوناگون را به رسمیت می‌شناسد و همه‌ی آن‌ها را راهی به سوی حقیقت می‌داند (هیک، ۱۳۷۸، ص ۶۸). جان هیک فیلسوف و دین‌پژوه انگلیسی، این دیدگاه را در سال‌های اخیر پرورانده و کتاب‌ها و رساله‌هایی در این باب نگاشته است. وی نخستین بار در سال ۱۹۷۷م با انتشار کتاب «اسطوره حلول خداوند»، دیدگاه رایج مسیحیان درباره‌ی حلول و تجسد خدا در مسیح را به چالش کشید و خواستار آن شد که بستر پذیرش ادیان دیگر فراهم گردد (هیک، ۱۳۸۴، صص ۳۰-۲۱) سرانجام هیک بدین نتیجه رسید که یکی از راهکارهای بنیادین برای از میان بردن چنین تبعیض‌هایی، «تصدیق صریح و صادقانه‌ی این امر است که در مقوله‌ی پیام‌های وحیانی باید به تفکری تکثرگرایانه روی آوریم.» (همان، ص ۳۲) در واقع، هیک، پیروان و همفکرانش «پلورالیسم در حقانیت» را بهترین (یا یگانه) راه برای تحقق «پلورالیسم در رفتار» می‌دانند و گاه به غلط از یکی به دیگری پل می‌زنند. بر اساس این دیدگاه، مسیح (ع) برای مسیحیان حق است و رسول اکرم (ص) برای مسلمانان (صادقی، ۱۳۸۶، ص ۳۴۲) بر این اساس در باب متون مقدس با تنوع فهم‌ها مواجه هستیم که این تکثر، ناشی از صامت

۱. الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ (حجر: ۹۱)؛ همان‌ها که قرآن را تقسیم کردند (آنچه را به سودشان بود پذیرفتند و آنچه را بر خلاف هوسهایشان بود رها نمودند).

دانستن متون دینی و کمک گرفتن از پیش‌فرض‌ها برای تفسیر متن است، زیرا متن مانند طبیعت امر مبهمی است که چندین معنا در بر دارد، زیرا معنای واقعی وجود ندارد و معناهای درست متعدّد می‌توان داشت. بنابراین، پلورالسیم معرفتی که رکن اساسی اسلام رحمانی است. حق بودن دین واحد را مردود دانسته به حق‌های متعدّد باور دارد و به توجیه تعارض ادیان می‌پردازد (همان، صص ۳۴۸-۳۵۴) ایا امر به نسبت معرفتی می‌انجامد و انسان را در گردابی مبهم غرق می‌سازد.



شکل ۲: مؤلفه‌های اسلام رحمانی



شکل ۳: مبانی اسلام رحمانی

۷. تقابل فقه تمدنی با مبانی اسلام رحمانی

فقه تمدنی از چهار منظر با مبانی اسلام رحمانی در تقابل است. این چهار منظر به این قرار است:

۷-۱. آمیختگی دیانت و سیاست

از جمله ارکان فقه تمدنی، آمیختگی دیانت با سیاست است، نصوص متقن قرآنی و روایی بیانگر ضرورت دخالت دین در عرصه‌ی جامعه و سیاست است. در صورت جدایی دین از عرصه‌ی سیاست و امور جامعه، بسیاری از احکام دین همچون حدود، قصاص، جهاد و مانند آن، مهمل می‌ماند.

سیره پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه‌ی اطهار (علیهم السلام) مشحون از پیوستگی دیانت و سیاست است. شرکت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و یارانش در جنگ با کفار و مشرکان و فرماندهی حضرت در جنگ‌ها، نصب والیان، فرستادن سفیر به سایر کشورها و نصب جانشین، همگی حاکی از ارتباط عناصر دین و سیاست در عرصه‌ی جامعه بود. امام خمینی (ره) در این رابطه معتقد است که «از ابتدای تاریخ بشر تاکنون، دولت‌های حکومت‌های ستمگر در برابر انبیا ایستاده بودند و این ایستادگی همواره وجود داشته است.» (ر.ک. [امام] موسوی خمینی (ره)، ۱۳۷۳، ص ۲۵۲)

تأمل در زندگی ائمه (علیهم السلام) نیز حاکی از آن است که آنان حق ولایت و رهبری جامعه را به نصب الهی از آن خویش می‌دانستند و برای تحقق حاکمیت و ولایت الهی در جامعه، زندگی آنان تا زمان شهادت، در مبارزه مستمر با حاکمان جور سپری شد. به باور امام خمینی (رحمه الله)، تبعیت از ائمه (علیهم السلام)، در گرو تشکیل حکومت است، زیرا حبس، شکنجه، تبعید و شهادت ائمه (علیهم السلام) به دلیل تلاش آنان برای تشکیل حکومت اسلامی بوده است. (ر.ک. [امام] موسوی خمینی (ره)، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۱۵۹) برخورد مسلمانان در طول تاریخ اسلام، حاکی از آمیختگی دیانت با سیاست است. پس از رحلت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، ضرورت وجود رهبر سیاسی در میان مسلمانان، امری بدیهی تلقی می‌شد، هرچند شیعه در سایه‌ی تعالیم اسلام معتقد به ولایت امیرمؤمنان (علیه السلام) و یازده امام (علیهم السلام) از فرزندان ایشان بود و حکومت‌های موجود را به رسمیت نمی‌شناخت.

نصوص دینی نیز بیانگر خطوط کلی اندیشه سیاسی اسلام است که از آن جمله می‌توان به ضرورت حاکمیت الهی: «انِ الْخُكْمُ اِلَّا لِلّٰهِ (انعام/ ۵۷)؛ حق حاکمیت تنها از آن خداست»، ضرورت الهی بودن منشأ قدرت: «اَنَا مَكْنَا لَهٗ فِی الْاَرْضِ وَ اَتَيْنَا مِنْ كُلِّ شَیْءٍ سَبَبًا (کهف/ ۸۴)؛ ما به او در روی زمین قدرت و حکومت دادیم و اسباب هر چیز را در اختیارش نهادیم»، برپایی عدالت اجتماعی، لزوم و التزام به قانون در جامعه، اهتمام به امر به معروف و نهی از منکر، اهتمام به امور مسلمانان، استقلال و نفی سلطه‌ی کفار و بیگانگان، حفظ آزادی‌های مشروع، ضرورت امنیت اجتماعی، مبارزه با ستمگران، عزت‌مندی، توکی و تبری و... اشاره کرد.

نظام عقیدتی اسلام، از توحید تا معاد، جملگی آمیخته با سیاست است. تحقق باور توحید در عرصه‌ی جامعه مبتنی بر ربوبیت تشریحی الهی، مستلزم حاکمیت سیاسی و مقابله با طاغوت است. لازمه‌ی اعتقاد به توحید، حاکمیت توحید باوران منصوب از جانب خداوند، برای تحقق و بسط حاکمیت ارزش‌های توحیدی در جامعه است. حاکمیت در اندیشه‌ی رهبر معظم انقلاب اسلامی، موضوعیت خود را از بستر تحقق بخشیدن به آرمان‌ها دریافت می‌دارد و تحقق این آرمان‌ها، نسخه‌ی کمال «مردم‌سالاری دینی» و تداوم آن است (سرپرست سادات، ۱۴۰۰، ص ۱۴۵)

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) نیز، از بزرگ‌ترین مظاهر شرک در عصر حاضر را تفکیک دین از سیاست می‌شمارند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۲/۲۷) به باور ایشان، دور داشتن مردم مسلمان از سیاست و فهم و عمل سیاسی، خصیصه‌ی اسلام آمریکایی است؛ درحالی‌که اسلام ناب محمدی (ص)، سیاست را بخشی از دین و جزء جدایی‌ناپذیر دین می‌داند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۱۱/۱۱). همچنین دو بُعد اسلامیت و ایرانی‌ت‌الگوی فقه تمدن‌سازی است (یوسفی راد، ۱۴۰۰، صص ۵۷-۸۴)

از سوی دیگر، انگاره‌ی اسلام رحمانی، نافی اسلام سیاسی است و اسلام را در ساحت فردی منحصر می‌داند، درحالی‌که این انگاره بر اساس آموزه‌های اسلامی و اندیشه‌ی امامین انقلاب اسلامی به‌طور کامل مردود است، این دلیل در قالب استدلال منطقی به شرح زیر است:

۱. اگر انگاره‌ی اسلام رحمانی صحیح باشد، اسلام نباید آمیخته با سیاست باشد.

۲. لکن اسلام آمیخته با سیاست است.

نتیجه: پس انگاره اسلام رحمانی صحیح نیست.

در توضیح مقدمه‌ی اول باید گفت که بر اساس یکی از مبانی اسلام رحمانی یعنی تقلیل‌گرایی ساحت دین به عرصه‌ی فردی، اسلام تنها در عرصه‌ی فردی کارآیی دارد و در عرصه‌ی اجتماع و سیاست، ناکارآمد است.

۲-۷. جامعیت دین اسلام

فقه تمدنی، فقهی جامع و کلان‌نگر است، بدین معنا که هنگام صدور قانون و احکام شرعی، ابعاد کلان اجتماعی، فرهنگی، سیاسی را ملاک نظر قرار می‌دهد و همه‌ی جنبه‌های مادی، معنوی، فردی و اجتماعی زندگی انسان را در برمی‌گیرد. بدین منظور از دودسته از قوانین یعنی قوانین ثابت و متغیّر و راهکار اجتهاد بر اساس مصالح و مفاسد کلان اجتماعی بهره می‌جوید.

بر اساس روایات، حکم و تکالیف الهی در حق همه‌ی انسانها یکسان است (ر.ک. کلینی، ۱۴۰۱ق، ج ۵، ص ۱۸) همچنین «احکام اسلام محدود به زمان و مکان خاصی نیست و تا ابد باقی و لازم‌الاجرا است» (ر.ک. موسوی خمینی، ۱۴۰۹ق، ص ۲۵) بدین جهت، اسلام در کنار احکام ثابت، ظرفیت پاسخگویی به نیازهای متغیّر انسان در طول زمان را بر اساس تغییر موضوعات و اقتضائات زمانی و مکانی جدید دارا است.

از منظر امام خمینی (ره)، فقه شیعه غنی‌ترین فقه دنیا است که برای احتیاج بشر از اوّل تا آخر است و تا روز قیامت همه‌ی مسائل مستحدثه را پاسخ می‌دهد (ر.ک. [امام] موسوی خمینی (ره)، ۱۳۸۹، ج ۳: صص ۲۳۸ و ج ۲۰، ص ۴۰۹)

از منظر مقام معظم رهبری، فقه اسلامی مشتمل بر جوانبی است که منطبق بر همه‌ی ابعاد زندگی انسان است (ر.ک. حسینی خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰) بر این اساس، تمدن اسلامی، تمدن فقه و مبتنی بر فقه تمدنی است، زیرا فقه تمدنی که بعد غایی مبانی فقهی اسلام است، خط بطلانی بر انگاره اسلام رحمانی و جدایی دین از سیاست است.

این دلیل در قالب استدلال منطقی به شرح زیر است:

۱. اگر انگاره اسلام رحمانی صحیح باشد، اسلام فاقد جامعیت است.

۲. لکن اسلام دارای جامعیت است.

نتیجه: پس انگاره اسلام رحمانی صحیح نیست.

در توضیح مقدمه‌ی اول باید گفت که بر اساس یکی از مبانی اسلام رحمانی یعنی پلورالیسم معرفتی، همه‌ی ادیان از جامعیت و حقانیت نسبی برخوردارند، از این رو، حصرگرایی در جامعیت اسلام، نادرست است.

مقدمه‌ی دوم (جامعیت اسلام) بر اساس آموزه‌های صریح قرآنی و روایی، در مباحث درون دینی، امری بدیهی به شمار می‌آید، بنابراین، نتیجه به سهولت به دست می‌آید.

۷-۳. نظام ولایت

نظام ولایت یکی از ارکان اصلی نظام تمدنی اسلام است. ولایت، همان انسجام و ارتباط قوی میان عناصر مسلمان و یکپارچگی و یک‌جهت بودن جامعه‌ی اسلامی است. اراده‌ی الهی براین تعلق گرفته است که حاکمیت خویش را درزمینه‌ی تدبیر و اداره‌ی سیاسی جامعه به انسان‌هایی واگذار کند که تجلی اراده‌ی او هستند، هرچند این تفویض از قدرت و حاکمیت او نمی‌کاهد، این انسان‌های برگزیده «پیامبران و امامان (علیهم‌السلام)» و نیز ولی فقیه در عصر غیبت است. حاکمیت در نظام جهانی قرآن به دست رهبر برگزیده‌ی الهی است که از جانب او اعمال حاکمیت می‌کند. حاکمیت امام به معنای حاکمیت قانون، عدالت، حق و معنویت است. جهان تحت حاکمیت الهی امام به جهانی معنوی تبدیل می‌شود که همگان را در مسیر تکامل و تعالی قرار می‌دهد. امام، قطب آرمانی و فکری جهان است که نماد و نماینده‌ی حاکمیت الهی در جهان هستی است و همه‌ی ملت‌ها را به مثابه‌ی «امت واحد» به سوی رشد و کمال سوق می‌دهد (ر.ک. جمالی، ۱۳۷۵، ص ۱۶۱) امیرمؤمنان امام را به «قطب الرّحّا» یعنی محوری که سنگ آسیاب به دور آن می‌چرخد، تشبیه فرموده است: «وَأَنَّهٗ لَيَعْلَمُ أَنَّ مَحَلِّي مِنْهَا مَحَلُّ الْقُطْبِ مِنَ الرَّحَا» (نهج البلاغه، خطبه ۳)؛ درحالی که او (خلیفه) نیک می‌دانست که موقعیت و نقش من (امیرمؤمنان) چون قطب در سنگ آسیاب است. این محور است که پایه‌ی نظریه‌ی فقه تمدنی مبتنی بر دو رکن و عنصر اساسی امامت (ولایت) و امت را تشکیل می‌دهد.

از منظر امام خمینی (ره)، اصل ولایت، تأمین‌کننده‌ی سعادت دنیا و آخرت انسان است و صرف

قانون‌گذاری سعادت بشر را تأمین نمی‌کند [امام] موسوی خمینی (ره). ۱۳۷۸، ص ۲۵)

اصل «ولایت»، ایجاد میلیون‌ها رابطه‌ی دینی میان دل‌های مردم با محور و مرکز نظام که ولی جامعه اسلامی است (ر.ک. حسینی خامنه‌ای، ۵/ ۵ / ۱۳۷۹) در حقیقت ولایت، سبب اتصال جدایی‌ناپذیر اعضای جامعه‌ی اسلامی با محور نظام ولایی (ولی) است.

ولایت و امامت به مثابه‌ی دست مقتدر ولایت الهی، نظام بخش مسلمانان است که بدون آن، مجموعه‌ی معارف و مناسک اجتماعی دین، جز کالبدی بی‌روح، نخواهد بود، بر این اساس، انگاره اسلام رحمانی که ولایت را رکن نظام اسلامی ندانسته و اساساً برای اسلام، نظامی قائل نیست، از اساس باطل است.

این دلیل در قالب استدلال منطقی به شرح زیر است:

۱. اگر انگاره اسلام رحمانی صحیح باشد، ولایت نمی‌تواند رکن فقه تمدنی اسلام باشد.

۲. لکن ولایت رکن نظام اسلامی است.

نتیجه: پس انگاره اسلام رحمانی صحیح نیست.

در توضیح مقدمه‌ی اول باید گفت که بر اساس یکی از مبانی اسلام رحمانی یعنی تقلیل‌گرایی ساحت دین به عرصه‌ی فردی، ولایت، امری موهوم است و نمی‌تواند رکن نظام اسلامی باشد.

۴-۷. امت واحد

از جمله ارکان فقه تمدنی، ایجاد امت واحد اسلامی است. امت در نظام جهانی اسلام نوید دهنده جامعه‌ای متکامل است که حول محور ولایت رهبری عادل الهی شکل می‌گیرد. از این رو قرآن کریم از حضرت ابراهیم به مثابه‌ی یک امت یاد کرده است: «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَّ لَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (نحل/ ۱۲۰)؛ ابراهیم امتی فرمانبر خدا بوده و از مشرکان نبود.» براساس آیات قرآن کریم، برخی پیامبران با نقش امامت و رهبری الهی همراه با پیروانشان یک امت را تشکیل می‌دهند (ر.ک. مکارم شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۱۴، ص ۲۵۸) که از آن جمله حضرت ابراهیم (علیه السلام) و پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) است. چنان که خداوند متعال درباره‌ی امت اسلامی می‌فرماید: «وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَّ أَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ» (مؤمنون/ ۵۲)؛ و البته این امت شما امت واحدی

است و من پروردگار شما هستم؛ پس، از من پروا کنید.» علامه طباطبایی، وحدت جهانی جوامع انسانی را در گرو روی آوردن به اسلام می‌داند (ر.ک. طباطبایی، ۱۴۲۱، ج ۴، صص ۱۳۱-۱۳۲) به باور امام خمینی (ره)، وحدت، راهکار مقابله‌ی با اسلام آمریکایی و یا به تعبیر امروزی اسلام رحمانی است که برای حفظ کیان اسلام، امری اساسی است (ر.ک. [امام] موسوی خمینی (ره)، ۱۳۷۹، ج ۲۰، ص ۷۹)

از دیدگاه مقام معظم رهبری، وحدت امت، به معنای گردآمدن صاحبان سلیقه‌های گوناگون بر محور اسلام و اعتصام به «حبل‌الله»^۱ است (ر.ک. حسینی خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۴/۲۳) از این رو، جامعه‌ی اسلامی باید در مقابل دشمنی‌ها دست واحدی باشد که این مطلب از آیه‌ی «أَذِلَّهِ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّهُ عَلَى الْكَافِرِينَ» (مائده / ۵۴)؛ در برابر مؤمنان متواضع و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند.» و نیز آیه‌ی «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح / ۲۹)؛ محمد (ص) فرستاده‌ی خداست و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید و در میان خود مهربانند.» استفاده می‌شود (حسینی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، ۱۳۹۱، صص ۶۰-۵۸)

جهان اسلام در حال حاضر در پنج بحران به سر می‌برد، این بحران‌ها شامل بحران سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، امنیتی و بحران دیدگاه‌ها و تئوری هستند. باید بدانیم که این پنج بحران به دلیل دو بحران اصلی اراده و عدم تئوری مناسب است. اگر انسان‌ها اراده لازم را نداشته باشند می‌میرند. هر امتی باید با اراده و خواست خود سرنوشت خود را مشخص کند و آنچه اراده را قوی می‌کند ایمان به خداوند است. امروز همه‌ی ما نیازمند وحدت هستیم، تنها عامل اصلی پیروزی وحدت است. پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) زمانی که می‌خواست دنیا را ترک کند خطاب به امت فرمود: «من کتاب خود و خاندانم را در میان شما باقی می‌گذارم، هرگز نباید این دو را کنار بگذارید که در غیر این صورت روی خوشبختی را نخواهید دید.» همه‌ی مصیبت‌های جهان اسلام به این دلیل است که این دو را کنار گذاشته‌اند یا یکی از آن دو را قبول ندارند. امیدواریم این اجلاس بتواند گام‌های عملی برای ترفیع جایگاه امت اسلامی نیز داشته باشد» (ر.ک. جعفری، سایت شفقنا، بیست و نهمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی، دسترسی در:

۱. چنگ زدن به ریسمان محکم الهی.

<http://fa.shafaqna.com/news/> /۸۶۷۱، ۶ دی ۱۳۹۴ ش.

ارکان وحدت در نظام فقه تمدنی عبارت‌اند از: وحدت امت (وحدت میان مسلمانان در امت اسلامی)، وحدت الوهیت (پرستش خدای یگانه و دوری از شرک)، وحدت اطاعت از حاکم الهی (پیروی از ولی فقیه در عصر غیبت)، وحدت برائت (جدایی کامل از دشمنان خدا و رسول خدا (صلی الله علیه وآله)، ائمه (علیهم السلام) و دشمنان امت اسلامی و دین الهی)، وحدت مسئولیت (ر.ک. آصفی، ۱۴۳۰ق، صص ۱۵۱-۱۵۷)

۱. وحدت امت: «وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ (مؤمنون: ۵۲)؛ هر آینه این دین (امت) شما دینی (امتی) است واحد، و من پروردگار شمایم؛ از من بترسید.»

۲. وحدت الوهیت: «وَمَا أَمْرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ (توبه: ۳۱)؛ مأمور بودند که تنها یک خدا را بپرستند، که هیچ خدایی جز او نیست. منزله است از آنچه شریکش می‌سازند.»

۳. وحدت اطاعت از حاکم الهی: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا (نساء: ۵۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا اطاعت کنید و از رسول و اولوالامر خویش فرمان برید. و چون در امری اختلاف کردید اگر- به خدا و روز قیامت ایمان دارید- به خدا و پیامبر رجوع کنید. در این خیر شماست و سرانجامی بهتر دارد.»

۴. وحدت برائت: «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ* لَا أُعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ* وَلَا أَنتُمْ عَابِدُونَ مَا أُعْبُدُ* وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ* وَلَا أَنتُمْ عَابِدُونَ مَا أُعْبُدُ* لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِي دِينِ (کافرون / ۱-۶)؛ بگو: ای کافران، من چیزی را که شما می‌پرستید نمی‌پرستم و شما نیز چیزی را که من می‌پرستم نمی‌پرستید و من پرستنده چیزی که شما می‌پرستید نیستم و شما پرستنده چیزی که من می‌پرستم نیستم. شما را دین خود و مرا دین خود.»

۵. وحدت مسئولیت: «كُنتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ لَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَ أَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ (آل عمران / ۱۱۰)؛ شما بهترین امتی هستید از میان مردم پدید آمده که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید. اگر اهل کتاب نیز ایمان بیاورند برایشان بهتر است. بعضی از ایشان

مؤمنند ولی بیشترین تبهکارانند.»

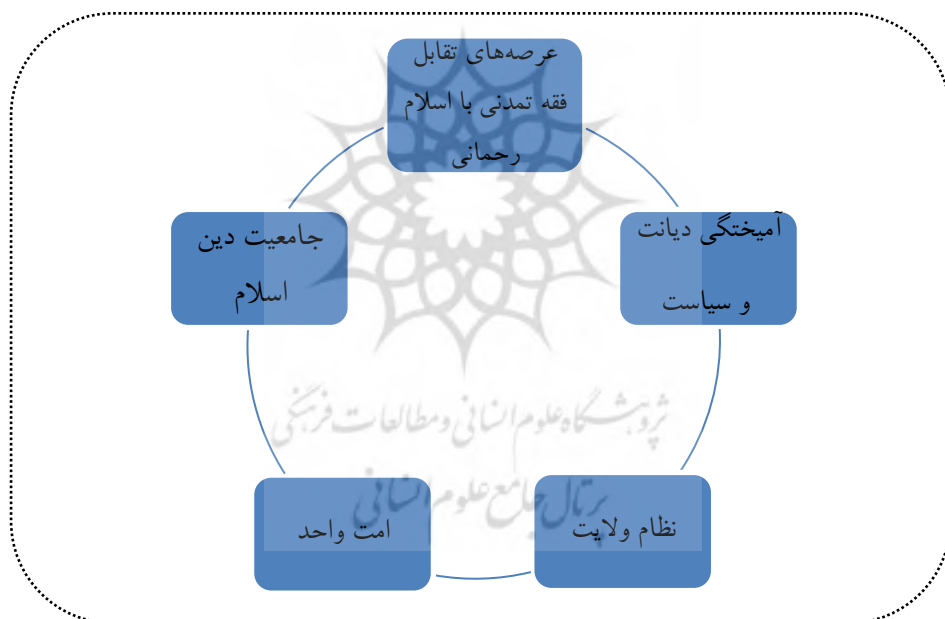
این دلیل در قالب استدلال منطقی به شرح زیر است:

۱. اگر انگاره اسلام رحمانی صحیح باشد، وحدت امت رکن فقه تمدن نظام اسلامی نیست.

۲. لکن وحدت امت در اسلام از ارکان فقه تمدن نظام اسلامی است.

نتیجه: پس انگاره اسلام رحمانی صحیح نیست.

در توضیح مقدمه‌ی اول باید گفت که بر اساس یکی از مبانی اسلام رحمانی یعنی پلورالیسم معرفتی، همه‌ی ادیان از حقانیت نسبی برخوردارند، از این رو، وحدت امری موهوم بوده و تنها کثرت امری اصیل و واقعی است.



شکل ۴: عرصه‌های تقابل فقه تمدنی با اسلام رحمانی

نتیجه‌گیری

«تمدن‌سازی نوین اسلامی» پیشرفت همه‌جانبه‌ی مظاهر مادی و معنوی مسلمانان در دو بعد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری است که شکوفایی جامعه، رشد و بالندگی مسلمانان و دستیابی آنان به

پیشرفت دنیوی و سعادت اخروی را در پی دارد. در این میان نقش فقه سیاسی شیعه در تمدن سازی، هدایت و تکامل زندگی اجتماعی، نقشی فراگیر و مثبت است. از آنجاکه دین برای اداره زندگی انسان در تمام جوانب آمده است (دین حداکثری) و تمدن برجسته‌ترین حیثیت زندگی انسان است. تمدن نوین اسلامی، با رویکردی کل نگر غایت جامعه‌سازی و امت سازی را ایفا می‌کند تا آن‌که امت واحده تشکیل شود. مبانی فقه تمدنی جامعه‌ای کلان را تشکیل می‌دهند که مرکب از دو عنصر بنیادین امت و امام است و وحدت این دو عنصر، ریشه‌ی اصلی تشکیل تمدن نوین اسلامی است، تمدنی که نقشی بس عظیم در پویایی، شکوفایی و رشد جامع و همه سو نگر جامعه‌ی اسلامی در پی دارد. از سوی دیگر اسلام، اسلامی است با همه‌ی زوایا و ابعاد خود است. از این رو، مقید ساختن اسلام به قید خاص به معنای محدود کردن اسلام و یا مصادره به مطلوب کردن است؛ اسلام دارای جنبه‌های ایجابی و سلبی است. از یک سو، اسلام دارای روح رحمانی، پر عطف و سراسر مهر و محبت است و از سوی دیگر همین اسلام لازمه‌ی عطف و رحمتش سخت گرفتن و شدت عمل نشان دادن در برابر دشمنان خداوند و مؤمنان است. از این رو، ما نمی‌توانیم بگوییم که اسلام تنها یک بُعد رحمانی دارد و اگر کسی غیر از این تلقی داشته باشد آن اسلام، اسلام باطلی است.

طرفداران اسلام رحمانی اعتقادی به جامعیت و جاودانگی دین اسلام نداشته و در نتیجه معتقدند گستره دین اسلام ساحت حیات سیاسی و اجتماعی را در بر نمی‌گیرد. دیدگاهی که در این فصل در چارچوب نظریه‌ی جدایی دین از سیاست مورد نقد و ارزیابی قرار گرفت. پاره‌ای دیگر ادعاهایی است که استدلال خاصی بر آن‌ها ذکر نشده بود. بر این اساس یافته‌های مقاله چنین است:

۱. بر اساس نظریه‌ی اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه وآله) که در تقابل با انگاره اسلام رحمانی است؛ مبتنی بر پیوستگی دین و سیاست و شمول احکام و آموزه‌های شریعت بر ساحت زندگی فردی و جمعی است.

۲. انگاره اسلام رحمانی، مبتنی بر تقلیل‌گرایی ساحت دین و پلورالسیم معرفتی است، اسلام رحمانی در زمینه‌ی جدایی دین از سیاست به دلایلی استناد جسته‌اند که از جمله‌ی آن‌ها قدسی بودن دین و عرفی بودن سیاست، انحصار رسالت پیامبران به مسائل اخروی در ساحت فردی است.

۳. انگاره اسلام رحمانی از یک سو همه‌ی اسلام را در برنمی‌گیرد و با آن مواجهه‌ی گزینشی می‌کند و از سوی دیگر، محصول «تحریف محتوایی اسلام» است و با حفظ برخی ظواهر، باطن و حقیقت آن را دگرگون می‌سازد و مسخ می‌کند. به بیان دیگر، اسلام رحمانی، تلفیقی از اسلام و لیبرالیسم است و به این واسطه، باید آن را از مصادیق و نمونه‌های متأخر «اسلام التقاطی» قلمداد کرد.

۴. انگاره اسلام رحمانی در تقابل و چالش مستقیم با نظریه‌ی فقه تمدنی قرار دارد.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه‌ی آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی.
- آصفی، محمد مهدی (۱۴۳۰ق)، *التحديات المعاصرة و مشروع المواجهه الاسلاميه*، قم، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
- حسینی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، سید علی (۱۳۹۰)، نرم‌افزار حدیث ولایت (بیانات و مکتوبات)، مؤسسه کامپیوتری نور، قم.
- ----- (۱۳۹۱)، *کتاب ولایت*، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ابن مکی عاملی، محمد (شهید اول) (۱۴۱۹ه.ق)، *ذکر الشیعه*، قم، مؤسسه آل‌البتیت لاحیاء التراث.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۵ه.ق)، *لسان العرب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸)، *عیون أخبار الرضا علیه السلام*، تحقیق و تصحیح: مهدی لاجوردی، نشر جهان، تهران.
- ----- (۱۳۹۵)، *کمال‌الدین و تمام النعمه*، تصحیح علی‌اکبر غفاری، تهران، اسلامیه.
- آشوری، داریوش (۱۳۸۱)، *تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ*، تهران، آگه.
- جعفری، ابراهیم (۱۳۹۴)، *سایت شفقنا*، بیست و نهمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی،

دسترسی در: <http://fa.shafaqna.com/news/>، ۸۶۴۷۱، ۶ دی ۱۳۹۴ ش.

- حقیقت، صادق (۱۳۸۷)، روش‌شناسی علوم سیاسی، قم، دانشگاه مفید.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰)، درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی، تهران، کیهان.
- سبحانی، جعفر (۱۴۱۱)، *الالهیات علی هدی الکتاب و السنه و العقل*، قم، مکتب دارالاعلام الاسلامی.
- سرپرست سادات، سید ابراهیم (۱۴۰۰)، *دو فصلنامه علمی مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی*، «کمال مردم‌سالاری دینی» در اندیشه رهبران انقلاب اسلامی؛ رویکرد تمدنی» دوره ۴، ش ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰، صص ۱۴۵-۱۷۰.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۷۸)، *مدارا و مدیریت*، تهران، صراط.
- صادقی، هادی (۱۳۸۶)، *درآمدی بر کلام جدید*، قم، کتاب طه.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *المفردات*، دمشق، دارمکتبه الشامیه.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۵ق)، *القاموس المحیط*، بیروت، دارالکتب العربیه.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۴۲۱ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، مؤسسه نشر اسلامی.
- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن (۱۴۰۶)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، ناصر خسرو.
- طیب، عبدالحسین (۱۳۷۸)، *اطیب البیان*، تهران، انتشارات اسلام.
- عاملی، حسن بن زین الدین (۱۳۸۷)، *معالم الدین و ملاذالمجتهدین*، تهران: المکتبه العلمیه الاسلامیه.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۱ه.ق)، *الکافی*، به تصحیح علی اکبر غفاری، بیروت، دارالاضواء.
- مجموعه سخنرانی و بیانات [امام] سید علی حسینی خامنه‌ای (مدظله العالی) موجود در سایت: <https://farsi.khamenei.ir>

- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۶)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۵)، مجموعه آثار (کلیات علوم اسلامی؛ فقه - اصول فقه)، قم، صدرا.
- پیمان، حبیب‌الله، (۱۳۷۱)، «ثبات و تغییر در اندیشه دینی»، مجله‌ی کیان، شماره ۵، صص ۲۷ و ۲۸.
- دورانت، ویل (۱۳۶۶)، تاریخ تمدن، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- رادیو زمانه، «آیا اسلام اصلاح‌پذیر است؟»، دسترسی در: <https://www.radiozamaneh.com>, ۱۴۰۱/۵/۴.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰)، درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی، تهران، کیهان.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۷۲)، فربه‌تر از ایدئولوژی، تهران، صراط.
- جکسون، آبراهام (۱۳۶۹)، سفرنامه جکسون، ایران گذشته و حال، تهران، خوارزمی.
- منتسکیو، شارل دو (۱۳۶۲)، روح القوانین، ترجمه‌ی علی‌اکبر مهتدی، تهران، امیرکبیر.
- عزة دروزه، محمد (۱۳۷۲)، تفسیر الحدیث، قاهره.
- علی‌پور وحید، حسن (۱۳۹۴)، اسلام رحمانی؛ تحلیلی بر مبانی و مؤلفه‌ها، قم، معارف.
- [امام] موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۷۳)، ولایت فقیه، حکومت اسلامی، تهران، موسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۳.
- ----- (۱۳۷۳)، وصیت‌نامه سیاسی - الهی حضرت امام خمینی، تهران، موسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ----- (۱۳۷۴)، صحیفه نور، تهران، موسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۰)، الکافی، بیروت، دارصعب - دارالتعارف.
- کدیور، محسن (۱۳۸۹)، اسلام رحمانی، سخنرانی در مرکز فرهنگی اسلامی ایرانیان اوکلند، شمال

کالیفرنیا، ۲ مرداد ۱۳۸۹، www.kadivar.com/p=12.

----- (۱۴۰۱)، «اسلام رحمانی و دشمنانش»، دسترسی در: www.۱۲kadivar.com/p= ۴ مرداد ۱۴۰۱.

----- مشکاتی سبزواری، عباسعلی و سید محمد فقیه (۱۳۹۱)، «فقه معطوف به تمدن»، معرفت، سال بیست و یکم - ش ۱۸۲، صص ۲۷-۴۶.

----- هیک، جان (۱۳۷۸)، مباحث پلورالیسم دینی، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، مؤسسه‌ی فرهنگی انتشاراتی تبیان.

----- (۱۳۸۴)، «پلورالیسم در اسلام»، ترجمه‌ی محمد محمدرضایی، در: فصلنامه قیاسات، ش ۳۷، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

----- یوسفی راد، مرتضی (۱۴۰۰)، فصلنامه‌ی مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، «کارآمد سازی دولت جمهوری اسلامی و پرسش‌های پیش رو در رویکرد تمدن ساز فلسفه‌ی سیاسی اسلامی»، دوره ۴، ش ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، صص ۵۷-۸۴.

References

- Holy Quran, translated by Ayatollah Nasser Makarem Shirazi.
- Asefi, Mohammad Mahdi (1430A.H.) *Modern Challenges and Legitimate Al-Mujaha-e-Islami*, Qom, World Forum for the Approximation of Islamic Religions.
- Hosseini Khamenei (Madazla Al-Ali), Seyyed Ali (2013) *Hadith Wilayat software (statements and letters)*, Noor Computer Institute, Qom.
- ----- (1390) *Kitab Velayat*, Qom, Farhang Islamic Publishing House.
- ----- (1385) *Statements of the Supreme Leader*, access at: <https://farsi.khamenei.ir>.
- ----- (1370) *Statements of the Supreme Leader*, access at: <https://farsi.khamenei.ir>.
- ----- (1379) *Statements of the Supreme Leader*, access at:

<https://farsi.khamenei.ir>.

- ----- (2014) *Statements of the Supreme Leader*, access at: <https://farsi.khamenei.ir>.
- ----- (1370) *Statements of the Supreme Leader*, access at: <https://farsi.khamenei.ir>.
- ----- (1379) *Statements of the Supreme Leader*, access at: <https://farsi.khamenei.ir>.
- Ibn Makki Aamily, Muhammad (the first martyr) 1419 *Zikri al-Shia*, Qom, Al-Al-Bayt Lahia al-Tarath Foundation.
- Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Makram 1405 *Arab language*, Beirut, Darah Haya al-Trath al-Arabi.
- Ibn Babawieh, Muhammad bin Ali 1378 *Eyes of Akhbar al-Reza*, peace be upon him, research and correction: Mehdi Lajurdi, Jahan Publishing House, Tehran.
- Kamal al-Din and Tammam al-Naimah, edited by Ali Akbar Ghaffari, Tehran, Islamia.
- Ashuri, Dariush. 1381 *definitions and concepts of culture*, Tehran, Ageh.
- Jafari, Ibrahim (2014) , Shafaqna website, 29th International Islamic Unity Conference, access at: <http://fa.shafaqna.com/news/86471/>, January 6, 2015.
- Truth, Sadiq. 138 *Political science methodology*, Qom, Mofid University.
- Sarukhani, Baqer 1370 *an introduction to the encyclopedia of social sciences*, Tehran, Keihan.
- Sobhani, Jafar 1411 *Theology of Ali Hoda Al-Kitab and Sunnah and Al-Aql*, Qom, School of Dar al-Ilam Islami.
- Sarbarst Sadat, Seyda Ibrahim. *Two scientific quarterly journals of fundamental studies of modern Islamic civilization*, "The Perfection of "Religious Democracy" in the Thought of the Leaders of the Islamic Revolution; Civilization approach" period 4, issue 1, spring and summer 1400, pp. 145-170.
- Soroush, Abdul Karim 1378 *Tolerance and Management*, Tehran, Sarat.
- Sadeghi, Hadi 1386 *an introduction to the new word*, Qom, Taha book.

- Ragheb Esfahani, Hossein bin Muhammad (1412 ah) *al-Mufardat*, Damascus, Al-Shamiya Library.
- Firozabadi, Muhammad bin Yaqub (1415 ah) *Al-Qamoos al-Muhait*, Beirut, Dar al-Kitab al-Arabiya.
- Tabatabayi, Mohammad Hossein (1421 ah). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*, Qom, Islamic Publishing House.
- Tabarsi, Abu Ali Fazl bin Hasan 1406 *Majmall Bayan fi Tafsir al-Qur'an*, Tehran, Nasser(ah) Khosrow.
- Tayeb, Abdul Hossein 1378 *Atib Bayan*, Tehran, Islam Publications.
- Ameli, Hasan bin Zain al-Din 1387 *Ma'al al-Din* and Mullah al-Mujtahidin, Tehran: Al-Maktabeh Al-Ulamiya al-Islamiya.
- Kalini, Muhammad bin Yaqub 1401 *Al-Kafi*, corrected by Ali Akbar Ghafari, Beirut, Dar al-Azwa.
- Makarem Shirazi, Nasser 1366 *Sample interpretation*, Tehran, Dar al-Kitab al-Islamiya.
- Motahari, Morteza 1385 collection of works (universities of Islamic sciences; jurisprudence - principles of jurisprudence), Qom, Sadra.
- Payman, Habibullah (1371) "*Stability and change in religious thought*", Kian Magazine, No. 5, pp. 27 and 28.
- Durant, Will 1366 *History of Civilization*, translated by Abolqasem Payandeh, Tehran, Islamic Revolution Publishing and Education Organization.
- Radio Zamaneh, "Is Islam reformable? accessed at: <https://www.radiozamaneh.com>
- Sarukhani, Bagher 1370 *introduction to the encyclopedia of social sciences*, Tehran, Keihan.
- Soroush, Abdul Karim 1372 *Fatter than ideology*, Tehran, Sarat.
- Jackson, Abraham 1369 *Jackson's travel book*, Iran past and present, Tehran, Kharazmi.
- Montesquieu, Charles de 1362 *Rooh al-Qawaani*, translated by Ali Akbar Mohtadi, Tehran, Amir Kabir.

- Ezza Droze, Mohammad 1372 *Tafsir al-Hadith*, Cairo.
- Alipour Vahid, Hassan 2014 *Islam Rahmani*; An analysis of the foundations and components, Qom, Ma'arif.
- Imam] Mousavi Khomeini, Ruhollah 1373 *Velayat Faqih*, Islamic Government, Tehran, Imam Khomeini Works Editing and Publishing Institute, 1373.
- *Imam Khomeini's political-divine testament*, Tehran, Imam Khomeini Works Editing and Publishing Institute.
- *Sahifeh Noor*, Tehran, Imam Khomeini Works Editing and Publishing Institute.
- Kalini, Muhammad bin Yaqoob 1410 *Al-Kafi*, Beirut, Darsaab-Dar al-Taarif.
- Kadivar, Mohsen 1389 *Islam Rahmani*, speech at the Iranian Islamic Cultural Center, Oakland, North California, August 2, 2019, kadivar.com/p=12www.
- "Islam Rahmani and his enemies", access at: kadivar.com/p=12www., August.
- Meshkani Sabzevari, Abbas Ali and Seyyed Mohammad Faqih 2011 "Jurisprudence focused on civilization", *Marafet*, 21st year, 182, pp. 27-46.
- Hick, John 1378 *Discussions of religious pluralism*, translated by Abdol Rahim Gawahi, Tehran, Tebian Publishing Cultural Institute.
- "*Pluralism in Islam*", translated by Mohammad Mohammad Rezaei, in *Qobsat Quarterly*, No. 37 Tehran, Research Institute of Islamic Culture and Thought.
- Yousefi Rad, Morteza, *Quarterly Journal of Fundamental Studies of Modern Islamic Civilization*, "Efficiency of the Government of the Islamic Republic and Future Questions in the Civilizing Approach of Islamic Political Philosophy", Volume 4, No. 2 Autumn and Winter 1400, pp. 57-84.